



انفاق و رابطه تنگاتنگ آن با روزه‌داری / حقیقت انفاق

انفاق قرآنی جامع همه اعمال و رفتارهایی است که در جای جای آیات وحی در قالب دستور عملی یا حکایت حال خوبان در راستای رفع کاستیها و نیازهای مادی و معنوی افراد جامعه بیان شده اند.

انفاق قرآنی جامع همه اعمال و رفتارهایی است که در جای جای آیات وحی در قالب دستور عملی یا حکایت حال خوبان در راستای رفع کاستیها و نیازهای مادی و معنوی افراد جامعه بیان شده اند.

یادداشت پیش رو به قلم مصطفی عباسی مقدم، مشاور پژوهش و برنامه ریزی معاون قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به ارتباط میان روزه داری و ترویج فرهنگ احسان و انفاق و بخشش می پردازد؛

از جمله مستحبات اکید و اصلی قرآن و سنت، انفاق و مشارکت در امور خیر و خدمت رسانی به آحاد مومنان و جامعه ایمانی است. بیش از ۹۰ آیه به طور مستقیم یا غیرمستقیم به انفاق در راه خدا سفارش می کنند. جالب اینکه این آیات هم در سوره های مکی مانند ماعون آمده و هم در سوره های مدنی مثل بقره.

برخی گمان می کنند انفاق همان صدقه دادن معمولی به یک یا چند فقیر است که دردی از آنها دوا می کند و به روح صدقه دهنده هم آرامشی می بخشد به خصوص آنجا که بسیاری از مومنان خیرات خود را به نام مردگان خویش انجام می دهند تا موجب ثواب و آمرزش اخروی باشد؛ اما حقیقت انفاق بس فراتر و بزرگتر از این نگاه محدود است.

حقیقت انفاق

می توان گفت انفاق قرآنی جامع همه اعمال و رفتارهایی است که در جای جای آیات وحی در قالب دستور عملی یا حکایت حال خوبان در راستای رفع کاستیها و نیازهای مادی و معنوی افراد جامعه بیان شده اند مانند: صدقه «و ان تصدقوا خیر لکم...»، کار خیر «فاستبقوا الخیرات»، تعاون در نیکیها «تعاونوا علی البر و التقوی»، اطعام «و یطعمون الطعام علی حبه...»، ایثار «ویؤثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصه»، زکات که در تعبیر قرآنی گاه به واجب اشاره دارد «واقیموا الصلوه و اتوا الزکاه» و گاهی به مفهوم مستحب آن «ویقیمون الصلوه و یوتون الزکاه و هم راکعون».

براین اساس، قرآن جریان فراگیر رفع خلأها و کاستیها و نابسامانیها و بی عدالتیهای موجود در هر جامعه و من جمله جامعه اسلامی را همان انفاق می داند و از این روست که آن را مایه آرامش و استقرار و همبستگی جامعه اسلامی یا همان امت ایمانی می شمرد؛ «ابتغاء مرضات الله و تثبیتا من انفسهم...». علامه طباطبایی در المیزان بر این نکته پای می فشرده که در نتیجه انفاق، نابرابریها و کینه های ناشی از آنها مرتفع می گردد و در پی آن کشمکشها کاهش یافته و امنیت روحی و اجتماعی نیز بیشتر تأمین می شود.

به علاوه از تعبیر «تثبیتا من انفسهم» می توان قدرتمندتر شدن جمع مومنان و استحکام در برابر توطئه ها را نیز برداشت نمود. در جای دیگری به صراحت گفته شده که انفاق نکردن و بخل ورزیدن شما موجب هلاکت است نه خرج کردن در راه نیازهای جامعه؛ انفقوا فی سبیل الله و لا تلقوا بایدیکم ال تهلکه. این آیه هشدار به ظاهربینان سست ایمان است که گمان نکنند آنچه در راه خدا و جهاد و رفع نیاز مومنان بخشیده اند نابود شده یا از سرمایه آنها کاسته شده است بلکه یقین کنند که اتفاقاً انفاقها و اعمال خیر ماندگارند و آنچه برای خویش نگه می داریم، در واقع از دست داده ایم.

تعجب نکنیم! این منطق ویژه قرآن و اهل ایمان است، آنچه پیش فرستند برای آخرت خویش، جاوید و ماندگار و جایگزین شدنی می دانند و آنچه پیش خود نگه دارند از دست رفته و تمام شدنی؛ «ماعدکم ینفد و ما عندالله باق»، «وما تنفقوا من خیر یوف الیکم» و «قل ما انفقتم من شیء فهو یخلفه».

از طرفی با نگاهی به مفاهیمی که در مقابل انفاق قرار گرفته اند معلوم می شود که این صفت دربردارنده بسیاری از فضایل اخلاقی قرآن و نقطه مقابل برخی رذایل نیز می تواند قلمداد شود. در سوره ماعون عدم تشویق و اهتمام به طعام مستمندان بلافاصله پس از تکذیب دین ذکر شده است؛ «أرایت الذی یکذب بالذین و لا یحض علی طعام المسکین» و در ادامه همین سوره به منع کنندگان صدقه و زکات یا کمک به همسایگان نفرین شده است «و یمنعون الماعون».

در جای دیگر، اهل دوزخ اعتراف می کنند که یکی از اسباب سقوطشان پرهیز از اطعام فقیران بوده است؛ «ما سلککم فی سقر قالوا لم نک من المصلین ولم نک نطعم المسکین و کنا نخوض مع الخائضین».

روزه داری؛ آمادگی برای اطعام و انفاق

لازمه روزه داری امساک و پرهیز است از خوردن و مصرف کردن و نیز اکتفا به حداقل مصرف و چه مقدمه ای برای احسان و انفاق بهتر از اینکه انسان از مصرف و ولع خوردن و آشامیدن خود بکاهد. در این صورت هم درد و نیاز گرسنگان و نیازمندان را خواهد چشید و هم روحیه و آمادگی بخشش و احسان را در خود احساس خواهد نمود. آنان که حتی یکبار انفاق در حال روزه داری را تجربه کرده اند می دانند که در حال روزه و در فضای معنوی رمضان، حال اطاعت رب و نیکی به خلق در انسان بهتر می شود و لذت حاصل از این عبادت بسی بیشتر از زمانهای دیگر است.

سوره هل اتی و رفتار مومنان، دلسوزانه، ایثارگرانه و مخلصانه اهل بیت رسول خدا(ص) الگوی روشن و افتخار آمیزی در این

خصوص است که با اطعام مسکین و یتیم و اسیر در سه شب متوالی و گذشتن از نیاز و اولیه و غذای حداقل خویش نشان دادند که برخی انسانها به درجاتی از نیکی و نیکوکاری و ایثار و انفاق می توانند برسد که زمینیان از رفتارشان انگشت به دهان بمانند و سعی در الگوگیری از آنان نمایند و اهل آسمان آنها را تحسین و تقدیس کنند.

در سخن امام به این نکته اشاره شده است: قال الصادق(ع): «انما فرض الله الصيام لیستوی به الغنی و الفقیر». امام صادق(ع) فرمود: خداوند روزه را واجب کرده تا بدین وسیله دارا و ندار (غنی و فقیر) مساوی گردند. (من لا یحضره الفقیه، ج ۲ ص ۴۳، ح ۱)

به نظر می رسد این فرهنگ با آنچه امروزه در جامعه دینی و حتی در خانواده ها و محافل مذهبی شاهدیم فاصله زیادی دارد؛ فرهنگی مغلوط و مخلوط که مملو از مظاهر رفاه زدگی و مصرف گرایی و تکاثر و تجمل است و حتی گاه با ظاهر انفاق و اطعام، آفات دیگری مانند تفاخر و تبذیر خودنمایی می کند که در تضاد با فرهنگ کفاف و عدالت قرآنی است.

از طرفی در قیاس با سایر ایام سال تب مصرف و نرخ بهره برداری از مایحتاج به ویژه مواد غذایی به شکل بی رویه بالا می رود و از سویی، ریخت و پاش بی دلیلی در برخی مراسم و محافل دیده می شود، در حالی که با همان هزینه ها می توان تعداد بیشتری را اطعام و یا برخی کاستیهای مهمتر را رفع نمود.

اسلام؛ فرهنگ ایثار و احسان

در همه ابعاد دین اسلام، توجه و نگرش و همدلی و همدردی و همبستگی دیده می شود چه در اخلاق و چه در احکام و چه در مباحث اعتقادی، همه جا نگرش جامعه محور و امت محور است؛ نه فردمحور و خودخواهانه. بهترین مردم، سودمندترین آنان دانسته شده است «خیرالناس انفعهم للناس». بنابراین همانگونه که مسئولیت نظارت بر رفتار افراد و گروهها و موضوع امر به معروف و نهی از منکر بر دوش یکایک اعضای امت اسلامی است، مفاهیم احسان و برّ و انفاق و تعاون در خیرات و مشارکت در دغدغه های عبادی و اجتماعی مومنان نیز مسئولیتی ایمانی و در نتیجه فراگیر و همگانی خواهد بود.

در حدیث علوی آمده است که: «من فارق جماعه المسلمین فقد خلع ربقه الاسلام من عنقه» هر کس از اجتماع مسلمانان شانه خالی کند و جدا شود طوق مسلمانی از گردن خویش باز کرده است. راهکار مهم در این همبستگی، همراهی و همدردی مومنان در مسائل مادی و اقتصادی و رفع نیازهای همکیشان و حتی همنوعان است؛ همان گونه که در مسائل عبادی، اعتقادی و اخلاقی نیز بایستی مراقب و دلسوز و نگران یکدیگر باشند و خود را عضوی از پیکره امت اسلامی بشمارند.

در این زمینه سفارشهای مکرری مثلاً درباره اطعام آمده است: قال الصادق(ع): من فطر صائماً فله مثل اجره (کسی که به روزه داری افطاری بدهد مانند پاداش او را خواهد داشت). (الکافی، ج ۴ ص ۶۸، ح ۱) قال الکاظم (ع): فطرك اخاك الصائم خیر من صیامك. افطاری دادن به برادر روزه دارت از گرفتن روزه (مستحبی) بهتر است. (الکافی، ج ۴ ص ۶۸، ح ۲)